

بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر میزان هویت ملی (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دانشگاه اصفهان)

سیدامیر مسعود شهرام‌نیا* - راضیه مهرابی کوشکی** - مهدیه پوررنجبر***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۳)

چکیده

بررسی میزان هویت ملی جوانان به عنوان مهمترین، مشروع‌ترین و فراگیرترین نوع هویت جمعی و مطالعه‌ی عوامل تأثیرگذار بر آن، یکی از موضوعاتی است که همواره مورد اهتمام جامعه‌شناسان و اندیشمندان حوزه سیاست بوده است و دغدغه‌ی اصلی در این زمینه، حفظ و افزایش احساس تعلق و تعهد شهروندان به ویژه جوانان و دانشجویان به نمادهایی چون تاریخ، فرهنگ، سرزمین و نظام سیاسی می‌باشد. یکی از مواردی که کمتر مورد تدقیق نظری و تجربی قرار گرفته، تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت ملی افراد است. شبکه‌هایی که بر ارتباطات و تعاملات درون‌گروهی و برون‌گروهی افراد احاطه شده و به نظر می‌رسد بر میزان هویت ملی و انسجام ملی آنان تأثیرگذار باشد. لذا این پژوهش به دنبال بررسی و مطالعه‌ی این مسأله است که آیا شبکه‌های اجتماعی می‌تواند بر هویت ملی دانشجویان تأثیرگذار باشد و میزان آن چه اندازه است؟ روش به کار رفته در این پژوهش، پیمایشی بوده و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه در میان ۲۹۴ نمونه از دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ استخراج، اعتبار آن، به روش صوری، و پایایی آن، به کمک آماره آلفای کرونباخ سنجیده شد و از طریق نرم افزار SPSS۲۲ تجزیه و تحلیل گردید. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد رابطه‌ی شبکه‌های برون‌گروهی با ابعاد چهارگانه‌ی هویت ملی؛ یعنی هویت فرهنگی-اجتماعی؛ تاریخی، سیاسی و سرزمینی معنادار و قوی می‌باشد و شبکه‌های مذکور به ترتیب بر هویت فرهنگی-اجتماعی؛ هویت سیاسی؛ هویت تاریخی و هویت سرزمینی بیشترین تأثیر را داشته‌اند. همچنین با وجود تأثیر شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی بر هویت سیاسی و فرهنگی-اجتماعی، مقدار کل بدست آمده، وجود رابطه‌ی میان هویت ملی دانشجویان و شبکه‌های درون‌گروهی را تأیید نکرد.

واژگان کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی، پیوندهای قوی، پیوندهای ضعیف، شبکه‌های

اجتماعی، هویت ملی

طرح مسأله

به نظر می‌رسد یکی از مسایل و معضلات جوامع برخوردار از تنوع قومی و فرهنگی، نگرانی پیرامون عدم علاقه و مشارکت افراد در امور سیاسی، انزوای اجتماعی، کاهش انسجام اجتماعی و به خصوص کاهش هویت ملی است. مدیریت اختلافات قومی و شکاف‌های اجتماعی، افزایش هویت ملی، تحقق وحدت ملی در چارچوب احساس تعلق، همبستگی و وفاداری اقوام و اقشار مختلف به سرزمین، تاریخ، فرهنگ، ملت و دولت و نیز ایجاد اجماع عمومی در مسائل کلان سیاسی و اجتماعی ایجاب می‌کند میزان هویت ملی شهروندان و عوامل اثرگذار بر آن بخصوص در میان نسل جوان، تحصیل کرده و فعال کشور مورد رصد همیشگی قرار داشته باشد. مطالعه هویت ملی در میان این قشر و طبقه اجتماعی از آن جهت واجد تدقیق علمی و تجربی است که به اعتقاد بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی، افراد در دوران جوانی می‌توانند بلوغ شناختی و اجتماعی خود را به نمایش گذاشته و به بررسی و ارزیابی مفاهیمی چون ملیت پردازند. در واقع دوران جوانی زمان پررنگ شدن هویت ملی افراد است (یومانا^۱، ۲۰۰۸: ۱۸).

از منظر جامعه‌شناسان یکی از حوزه‌هایی که می‌توان نمای حال و آینده‌ی جامعه، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و بسیاری از مسائل و پدیده‌های مرتبط با آنرا بازنمایی کرد، شبکه‌های اجتماعی است؛ زیرا ارتباطات متقابل و پیوندهای اجتماعی محصور در شبکه‌های اجتماعی، به عنوان یکی از منابع مهم سرمایه‌ی اجتماعی؛ موجب دسترسی آسان افراد به منابع و حمایت‌های درون شبکه‌ای، تسهیل در همکاری‌های اجتماعی و تشویق رفتارهای جمعی در جهت تأمین منافع عمومی می‌شود (پاتنام^۲، ۱۹۹۳ و ۲۰۰۱). به بیان فوکویاما ارزشمندی پیوندها و روابط میان گروه‌ها، افراد و نهادها و نیز سرمایه‌ی ناشی از این همبستگی و پیوند؛ دارایی و ثروت نهفته‌ای است که با حضور در روابط اجتماعی کنشگران، پیامدهایی همچون دستیابی جامعه به اهداف مشترک، حفظ و تقویت انسجام و همبستگی اجتماعی را در پی خواهد داشت (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۶۹).

از طرف دیگر به نظر می‌رسد بخشی از آگاهی انسان از خویشتن مربوط به تصویر «ما» در مقابل دیگران و پاسخ به کیستی و چیستی «ما» است که در تعاملات افراد و به واسطه شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات درون‌گروهی و برون‌گروهی آن شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر قرار گرفتن فرد در شبکه‌های درهم تنیده اجتماعی و ارتباطی، شکلی از آگاهی نسبت به فرهنگ، سیاست و تاریخ در فرد القا می‌کند که او را از سایر گروه‌های ملی متمایز و متفاوت می‌سازد و

1. Umana
2. Putnam

در عین حال برجسته‌کننده‌ی ویژگی‌های مشترک او با سایر افراد اجتماع ملی است. از این رو پژوهش و مطالعه در مورد رابطه و تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر میزان هویت ملی افراد، امری مهم و ارزشمند تلقی می‌گردد. لذا پژوهش حاضر به دنبال بررسی و مطالعه این امر است که آیا شبکه‌های اجتماعی می‌تواند بر هویت ملی دانشجویان تأثیرگذار باشد و میزان و نحوه‌ی تأثیر آن چگونه است؟ بر این اساس اهداف این پژوهش در سه مقوله، قابل پیگیری است:

- ۱- بررسی و سنجش میزان هویت ملی دانشجویان دانشگاه اصفهان؛
- ۲- بررسی و سنجش میزان شبکه‌های اجتماعی دانشجویان دانشگاه اصفهان؛
- ۳- بررسی رابطه و تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت ملی دانشجویان دانشگاه اصفهان.

ملاحظات مفهومی و نظری

شبکه‌های اجتماعی

بنیان اجتماعات انسانی چه آن‌را جوامع اولیه، سنتی و یا مدرن بنامیم، بر روابط و تعاملات اجتماعی قرار دارد. وابستگی زیستی و روانی انسان به سایر هم نوعان، او را ناگزیر به ایجاد ارتباط با سایرین و تشکیل اجتماعات و گروه‌های مدنی می‌کند و از مزیت‌هایی همچون دستیابی آسان، ارزان و گسترده به اطلاعات، حمایت اجتماعی بهره‌مند می‌سازد و نیز دامنه‌ی وسیعی از فرصت‌های همکاری‌جویانه در اختیارش می‌گذارد. پیوندهای درهم بافته‌شده‌ی اجتماعی یا همان «شبکه‌های اجتماعی»^۱ در بستری از هنجارها (قواعد)^۲ و جریان‌های اطلاع‌رسانی شکل می‌گیرند (محمدی، ۱۳۸۴: ۹۲) و به بیان پاتنام (۲۰۰۰ و ۱۹۹۳) بر اساس «اعتماد»^۳ و «هنجارهای متقابل» عمل می‌کنند. در واقع آنچه به عنوان یک پیش فرض اساسی در مورد شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌شود وجود اعتماد و حس همکاری در پیوندهای اجتماعی است که بدون حضور آن، شبکه‌های اجتماعی از معنا تهی می‌شوند.

ویژگی‌های مذکور موضوع شبکه‌های اجتماعی را در قلب مباحث مربوط به «سرمایه اجتماعی»^۴ قرار داده است. از این منظر سرمایه‌ی اجتماعی شامل دو بعد ساختاری (شبکه‌های اجتماعی) و بعد فرهنگی (هنجارها و اعتماد اجتماعی است (لوی،^۵ ۱۹۹۶: ۳۴) و مشخص می‌کند روابط افقی (مانند روابط خانوادگی و دوستی) و عمودی (همچون ارتباط با نهادهای سیاسی و

1. Social Networks
2. Norms
3. Trust
4. Social Capital
5. Levi

مدنی) محصور در شبکه‌های ارتباطی؛ چگونه منابع را بسیج و یا همان‌طور که کلمن^۱ آنرا برجسته کرده است (۱۹۸۸)؛ چه مقدار سرمایه از طریق این اتصالات و تعاملات اندوخته و کنش‌های اجتماعی و سیاسی افراد را سمت و سو می‌بخشند. به بیان پاتنام (۲۰۰۰ و ۱۹۹۳) در جوامعی که افراد از طریق پیوندهای قوی و بادوام شبکه‌ای و در غالب گروه‌ها و انجمن‌های داوطلبانه با یکدیگر در ارتباطند و در میان آنان مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی جاری است؛ سطوح بالایی از مردم سالاری و ثبات سیاسی نیز به چشم می‌خورد. آنان نسبت به حوادث سیاسی مختلف آگاهی بسیار بالایی داشته و مشتاقانه و در همه حال، کارایی حکومت را بهبود می‌بخشند. شبکه‌های اجتماعی در سطح روابط افقی نیز متضمن بازتولید سرمایه‌ی اجتماعی در دو بعد فردی و اجتماعی هستند به این معنی که در زندگی فردی و شخصی وسیله‌ای برای یافتن همصحبت و همنشین و مأمنی برای همدلی و همدردی محسوب می‌شوند و نیز در سطحی وسیعتر، همکاری‌های جمعی و اجتماعی را تسهیل و منافع و تعهدات متقابل را تحقق می‌بخشند. در این چشم‌انداز عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌های ورزشی، تعاونی‌ها و سازمان‌های مدنی جایگاهی درخور توجه می‌یابند. به عقیده جامعه‌شناسانی همچون پاتنام، عضویت در این شبکه‌ها نه تنها به بهبود جریان اطلاعات قابل اعتماد کمک می‌کند بلکه هزینه‌های عهدشکنی در روابط را افزایش داده و سرمایه اجتماعی حاصل از حضور و عضویت در شبکه‌های اجتماعی به صورت فرهنگ مشارکت‌جویانه و اخلاق مدنی رواج می‌یابد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۹۷).

شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی

شبکه‌های اجتماعی «درون‌گروهی»^۲ و «برون‌گروهی»^۳ از دل ایده‌ی پاتنام (۲۰۰۰) در جعل دو اصطلاح «انجمن‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی» وارد مباحث آکادمیک شد و تلاشی بود تا به وسیله‌ی آن تفاوت میان انواع سرمایه‌های اجتماعی بیان شود (پاکستون^۴، ۲۰۰۰). به نظر پاتنام، سرمایه‌ی اجتماعی، حاصل حضور افراد در شبکه‌های اجتماعی در دو نوع درون‌گروهی و برون‌گروهی است. سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی به حضور افراد در شبکه‌هایی اشاره دارد که در آن تعاملات بسیار نزدیک و صمیمی، در چارچوب‌های بسته و محدود گروهی شکل می‌گیرد و افراد خارجی به راحتی نمی‌توانند در اینگونه شبکه‌های ارتباطی سهیم شوند. چنین روابطی در میان

1. Coleman
2. Bonding Social Networks
3. Bridging Social Networks
4. Paxton

گروه‌های متجانسی همچون خانواده، دوستان نزدیک و گروه‌های قومی و محلی دیده می‌شود. در چنین فضایی افراد با شباهت فکری بالا حضور دارند و امکان حمایت‌های احساسی و هیجانی را برای یکدیگر فراهم می‌کنند. به استدلال شریف^۱ (۱۹۸۸) برانگیختن احساسات تعلق گروهی گاه ممکن است با احساساتی چون بدگمانی و تنفر نسبت به افراد خارج از گروه نیز همراه باشد.

شبکه‌های اجتماعی برون گروهی، بنا به تعریفی که در میان بسیاری از جامعه‌شناسان عمومیت دارد (پاتنام، ۲۰۰۰؛ لین^۲، ۲۰۰۱؛ لارسن و دیگران^۳، ۲۰۰۴؛ پاکستون، ۲۰۰۲ و بوگلسدیک و اسمولدرز^۴، ۲۰۰۴)؛ ناظر به شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی در میان افراد ناهمسان یا افراد برخوردار از موقعیت‌های متفاوت فرهنگی، قومی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. به عبارت دیگر افراد در یک شبکه‌ی باز و وسیع ارتباطی با تعداد زیادی از افراد نامتجانس و ناهم‌اند به ایجاد ارتباط نه چندان عمیق لیکن سطحی و وسیع مبادرت می‌کنند. سمت و سو و جهت ارتباطی اینگونه شبکه‌ها می‌تواند سطوح افقی جامعه و یا در ارتباط با مراجع و نهادهای سیاسی به صورت عمودی تعریف شود.

هویت ملی

هویت ملی از مهمترین، مشروع‌ترین و فراگیرترین انواع هویت جمعی^۵ یا اجتماعی محسوب می‌شود (احمدی، ۱۳۷۷؛ همو، ۱۳۸۳: ۱۶۹) و فرد با ضمیر «ما» خود را متعلق به عناصر و نمادهایی نظیر تاریخ، سرزمین، دین، مفاخر فرهنگی، دولت، زبان و ادبیات ملی می‌داند و در مقابل آن احساس تعهد، وفاداری و تکلیف می‌نماید. به طور کلی هویت، همزمان دو نسبت احتمالی شباهت و تفاوت را میان افراد یا گروه‌ها برقرار می‌کند (جنکینز^۶، ۱۳۸۱: ۵) و شکل‌گیری آن قرین دو احساس متضاد تعلق به گروه خودی و دیگری و احساس تمایز یا تبعیض در برابر گروه‌های غیرخودی است. بر این اساس هویت ملی معرف احساس همسانی، تشابه، تعلق و وفاداری افراد به گروه‌های ملی یا واحدهای جمعی نظیر ملیت (خودمان) بوده و در عین حال بیانگر تفاوت، ناهمسانی و تمایز با سایر واحدهای جمعی (دیگران) است. به نظر می‌رسد هویت ملی به عنوان زبان مشترک و بر مبنای یک فرهنگ عمومی^۷ (سیستمی از ایده‌ها، نشانه‌ها، معاشرت

1. Sherif
2. Lin
3. Larsen, et al
4. Beugelsdijk & Smulders
5. Collective Identity
6. Richard Jenkins
7. Common culture

معاشرت و رویه‌های رفتاری مشترک) در میان اعضای یک گروه ملتی پذیرفته شده و افراد نسبت به آن از آگاهی برخوردارند (بارت، ۱۳۸۱: ۱۴؛ هابزباون، ۱۹۹۲: ۱۰ و گلنر، ۱۹۸۳). انسجام‌دهندگی و همانندسازی کارکرد ویژه‌ی احساس تعلق ملی است که فداکاری ملت را به عنوان یک سرمایه‌ی بزرگ ضامن پیروزی، حفظ تمامیت سرزمینی و استقلال دولت‌ها در هنگامه‌ی جنگ و بحران داخلی و خارجی می‌نماید.

رابطه شبکه‌های اجتماعی و هویت ملی

همانطور که جانسون (۱۹۹۷) بیان می‌کند احساس آگاهی و تعلق نسبت به نمادهای ملی از طریق تعاملات اجتماعی و در فرآیند اجتماعی شدن تکوین می‌یابد. در واقع هویت ملی شکلی از آگاهی به خود، گروه، جامعه، فرهنگ و تاریخ را القا می‌کند که فرد در فرآیند اجتماعی شدن و در تعامل و ارتباط با افراد یا عضویت در گروه‌های اجتماعی کسب کرده است. به بیان دیگر هر آنچه به سوالات «کیستم» یا «کیستیم» الصاق می‌شود، از طریق شبکه‌های اجتماعی و در جریان اطلاعات ساختاربندی شده به وجود می‌آید (لیک^۲ و هاجفلد^۳، ۱۹۹۸: ۵۶۹). به همین نحو اگر افراد شبکه‌ی تعاملات خود را از سطح گروه‌های نخستین (خانواده، اقوام، دوستان و همسالان) به گروه‌هایی با ماهیت بزرگتر، عام‌تر و حتی جهانی‌تر گسترش دهند (کرایپ^۴، ۱۹۹۸، تونیس، ۱۳۸۱) صورتبندی هویت افراد در معرض باز تولید، بازبینی و بازتعریف قرار می‌گیرد.

تبیین تئوریک رابطه‌ی شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آنان بر میزان هویت ملی افراد از میان نظریات و چهارچوب‌های تحلیلی موجود نشان می‌دهد که چگونه عضویت افراد در گروه‌های مختلف اجتماعی و محاط شدن آنان در شبکه‌های درهم تنیده‌ی اجتماعی می‌تواند به افزایش و احیانا کاهش هویت ملی منتهی شود؟ هر چند نمی‌توان نظریاتی کم و بیش یکسان در این رابطه ارائه کرد، اما با توجه به تحلیل شبکه‌های اجتماعی بر مبنای روابط درون‌گروهی و میان‌گروهی به نظر می‌رسد بتوان دو رویکرد را از یکدیگر تفکیک کرد: اولین دیدگاه بر شبکه‌های اجتماعی به عنوان اتصالات و پیوندهای درون‌گروهی و سرمایه‌ی اجتماعی حاصل از آن توجه دارد. آنچه در این منظر حائز اهمیت است جایگاه پیوندهای قوی‌ای است که انسجام، اعتماد و همکاری را در جامعه گسترش می‌دهد و بر میزان انسجام و هویت ملی تأثیرگذار است. اما دیدگاه دوم سرمایه

1. Consciousness
2. Lake
3. Huckfeldt
4. Craib

اجتماعی حاصل از گسترش پیوندهای ضعیف میان گروهی را ارزشمند ارزیابی کرده و آن را در حفظ یکپارچگی اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار می‌داند. اگرچه هر دوی این دیدگاه‌ها در بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر میزان هویت ملی افراد به نتایج مشابهی منجر می‌شود ولی به نظر می‌رسد نظریات و تبیین‌های مختلفی در این راستا وجود دارند، که متفاوت از یکدیگرند.

استدلال رویکرد نخست بر این است که زندگی روزمره افراد نشان می‌دهد، تصمیمات درون گروهی و جمعی در محیط‌های با سطوح خرد به‌مثابه نوعی «مدرسه مردم سالاری» عمل کرده و تجاربی را برای افراد فراهم می‌کند که در آن افراد مهارت‌های مدنی را می‌آموزند. لذا عضویت در گروه‌های اجتماعی نقش آموزشی در توسعه‌ی مهارت‌های مدنی شهروندان ایفا می‌کند (وربا و همکاران، ۱۹۹۵، ۳۰۴). (پاتنام ۲۰۰۰: ۱۳۴) استدلال می‌کند عضویت در این انجمن‌ها اعتماد بین فردی را افزایش می‌دهد. او معتقد است اعضای گروه‌های اجتماعی به طور منظم با یکدیگر در تماس هستند و در مورد مشکلات و مسائل مختلف بحث‌های منظمی دارند. گفتگو در فضای سالم به مرور باعث ایجاد اعتماد در آن‌ها می‌شود. هنگامی که بیگانگان به چنین گروه‌هایی وارد می‌شوند اعضای گروه آن‌ها را به شکلی مثبت درک کرده و بدین ترتیب در چارچوب چنین گروه‌هایی افراد ناشناس نیز مورد اعتماد واقع می‌شوند. آنچه مهم به نظر می‌رسد آن است که انجمن‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی ناشی از آن، روح همکاری، یکپارچگی و انسجام را در میان شهروندان تزریق می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۳: ۸۹). در این شرایط افراد بدون هیچگونه چشم‌داشتی به دنبال کمک به دیگران هستند، به تعهدات مالیاتی خویش عمل می‌کنند، به دیدگاه‌های اقلیت‌ها احترام می‌گذارند و در دیگر اشکال همکاری‌های مدنی شرکت می‌کنند (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۳۷). در چنین شرایطی انتظار می‌رود دلبستگی و احساس تعلق خاطر آنان به جامعه و نمادهای تاریخی و فرهنگی نیز بالا باشد و شهروندان در جهت بهبود کیفیت عملکرد نظام سیاسی با نهادهای سیاسی همکاری بهتری داشته باشند. به بیان دیگر سرمایه‌ی اجتماعی حاصل از حضور در شبکه‌های اجتماعی به صورت فرهنگ مشارکت‌جویانه و اخلاق مدنی در جامعه رواج می‌یابد. محصول چنین فرهنگی تقویت نوع دوستی در جامعه و احترام به کرامت و حقوق انسان‌ها است و فردگرایی و خاص‌گرایی جای خود را به عام‌گرایی، مشارکت و همکاری در جهت تحقق خیر عمومی می‌دهد.

اسکارسون^۱ (۲۰۰۳: ۷۰) نیز استدلال می‌کند افزایش اعتماد اجتماعی، که از حضور مداوم و موثر در شبکه‌های اجتماعی حاصل می‌شود یکی از پیش‌فرض‌های مهمی است که می‌تواند از بروز احساس خودخواهی و نفع‌طلبی در امور مدنی و اجتماعی جلوگیری کند. آنچه حضور در

شبکه‌های اجتماعی را واجد چنین سرمایه‌ای نموده وجود پیوندهای بادوام، متراکم و قوی است که از نظر پاتنام (۲۰۰۰) حامل حس مسئولیت و تعهد اجتماعی است که احساس انسجام را در جامعه بیشتر می‌کند.

در دیدگاه شبکه‌ای یا رویکرد دوم، این باور رواج دارد که سرمایه‌ی اجتماعی ذاتاً خیر نیست و نباید تصور شود که همه‌ی اشکال سرمایه‌ی اجتماعی برای کل جامعه مفید است. برای مثال ممکن است تعهدات و وفاداری‌های گروهی آنچنان نیرومند باشند که فرد به دلیل حمایت از گروه قومی یا طبقه‌ی اجتماعی خاص، از دارایی و جان خود صرف نظر کند. از سوی دیگر، این امکان وجود دارد که نتایج مثبت سرمایه‌ی اجتماعی برای یک گروه، به زیان گروه دیگری تمام شود (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۴: ۵۳۹). در چنین شرایطی پیوندهای قوی در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند تبعات منفی برای انسجام و هویت ملی یک نظام سیاسی به همراه داشته باشد و شکاف‌های اجتماعی را افزایش دهد. در این راستا اوسلانر^۱ (۱۹۹۹: ۱۲۵ و ۱۲۹) سرمایه‌ی درون‌گروهی را همراه با تقویت اعتماد خاص یک مانع در زندگی مدنی و سیاسی می‌داند و معتقد است اعتماد خاص در راستای منافع عمومی عمل نمی‌کند. در اعتماد خاص، فرد تنها به برخی از گروه‌های اجتماعی که به لحاظ هویتی با آن فرد تطابق دارد اعتماد می‌کند. اعتماد خاص تمایل دارد تا انواع مختلف هویت‌های درون‌گروهی را در برابر افراد غریبه و هویت‌های برون‌گروهی منسجم نماید (Warren, 1999: 9). اما کسانی که دارای اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته بالایی هستند بیشتر در راستای منافع جامعه حرکت می‌کنند (Warren, 1999: 122). هارپر (Harper, 2012: 20-35) نیز بر این باور است که همگنی و یکدستی در گروه‌ها می‌تواند عامل کاهش در سرمایه‌ی اجتماعی باشد. کاهش در صورتی رخ می‌دهد که یک گروه همگن به حذف دیگران پردازد و دیگران را نادیده گیرد. از این چشم‌انداز حضور افراد ناهمگن در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به افزایش امید به زندگی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی، کاهش جرم و جنایت، بهبود سلامت فردی و اجتماعی، و انسجام اجتماعی و ملی کمک نماید.

رویکرد دوم بر خلاف رویکرد اول، که بر پیوندهای قوی درون‌گروهی تأکید داشت، بر این ایده است که قدرت اصلی در پیوندهای سست میان‌گروهی قرار دارد. نظریه پردازان شبکه بر این موضوع گرایش دارند تا جامعه‌شناسان را از بررسی گروه‌ها و رده‌های اجتماعی به بررسی پیوندهای میان کنش‌گران سوق دهند، کنش‌گرانی که «چندان در هم‌بافته و به هم‌بسته نیستند که بتوان آن‌ها را گروه قلمداد کرد». یکی از مهمترین نظریه‌پردازان تحلیل شبکه‌ای

«گرانوتر»^۱ است که به دلیل ایده‌ی «قدرت پیوندهای سست»^۲ حائز توجه می‌باشد. وی میان «پیوندهای نیرومند» مانند روابط خویشاوندی، دوستی و آشنایی و «پیوندهای سست» تمایز قایل می‌شود. در حالی که جامعه‌شناسان بیشتر پیوندهای نیرومند را تعیین کننده‌ی رفتار و کنش فردی اجتماعی می‌دانند و به بحث در مورد گروه‌های کوچک و معین محدود می‌شوند، اما گرانوتر نشان داد که پیوندهای سست و روابط بین گروه‌ها نیز می‌توانند مهم باشند و بنابراین حوزه‌ی تحلیل خود را صرفاً به گروه‌های اولیه محدود نمی‌کند (گرانوتر، ۱۹۷۳: ۱۳۶۰).

(گرانوتر ۱۳۶۲: ۱۹۷۳) استدلال می‌کند: هنگامی که پیوندهای اجتماعی قوی‌ای در جامعه وجود داشته باشد این شبکه‌ها بازیگران اجتماعی را به احاطه‌ی خود در آورده و در نتیجه، تبادل اطلاعات میان آنان و محیط اجتماعی را محدود می‌سازند اما برعکس، پیوندهای ضعیف احتمال ارتباط افراد با شهروندان مختلف را افزایش می‌دهد، و بدین ترتیب اطلاعات از حوزه‌های مختلف به فرد منتقل می‌شود. پیوندهای قوی درون‌گروهی از اصل همانندی پیروی می‌کند و افراد را با افرادی مشابه خود پیوند می‌دهد. اما پیوندهای ضعیف، افراد دارای پیشینه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوت را گرد هم می‌آورد. به شیوه‌ای مشابه بورت^۳ (1992) استدلال می‌کند زمانی که در جریان اطلاعات تنوع وجود داشته باشد، باعث می‌شود که شکاف‌های ساختاری در جامعه کم‌رنگ شده و بدین ترتیب میزان کشمکش‌ها میان طبقات و گروه‌های مختلف جامعه کاهش یابد. بر اساس استدلال فوق، انتظار می‌رود تا افرادی که آزادانه به شبکه‌های اجتماعی گسترده و متنوع دسترسی دارند میزان اطلاع و آگاهی آنان نسبت به نمادها و عناصر ملی‌شان بالاتر بوده و تعلق بیشتری نسبت به جامعه و ملیت خود داشته باشند. پیوندهای ضعیف میان گروهی با رویکرد متأخر بورت (۲۰۰۱) پیرامون «حفره‌های ساختاری»^۴ نیز مرتبط است. به بیان او افراد از طریق منافذ موجود در ساختار اجتماعی شرایطی در نقش یک میانجی در تبادل اطلاعات بین گروهی حضور می‌یابند و ضمن آنکه گروه‌های مختلف را به یکدیگر متصل می‌کنند، خود را با باورها و هویت‌های مختلف انطباق می‌دهند.

راه‌حلی که تحلیل شبکه‌ای برای افزایش انسجام اجتماعی و کاهش شکاف‌های هویتی در جامعه ارائه می‌دهد افزایش پیوندهای سست از طریق افرادی است که در حاشیه‌ی شبکه‌های گوناگون اجتماعی، از گروهی به گروهی دیگر می‌روند و به صورت حاملان افکار و اطلاعات نو

1. Granovetter
2. The Strength of Weak Ties
3. Burt
4. Structural holes

رفتار می‌نمایند. به عبارت دیگر عضویت در گروه‌های متعدد اجتماعی هویت‌های چندگانه در افراد ایجاد می‌کند که غالباً با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. حرکت در بین گروه‌های مدنی و اجتماعی مختلف؛ اطلاعات، نوآوری، منابع و استعداد‌های انسانی را با سهولت بیشتری انتقال می‌دهد و به حذف دشمنی‌ها و شکاف‌های اجتماعی و هویتی کمک می‌کند. به بیان (چلبی ۱۳۷۵، ۲۳۷) به نظر می‌رسد تعاملات و مبادلات و همکاری بین گروهی از یک سو باعث انسجام در کلیت جامعه‌ی ملی می‌شود و از سوی دیگر در نظم‌های خرد و محلی اختلال ایجاد می‌کند. شبکه‌های میان‌گروهی یا برون‌گروهی با مفهوم دیگری به نام «پیچیدگی هویت اجتماعی»^۱ همراه است که توسط بریور و روکاس^۲ (۲۰۰۲) در مباحث روانشناسی اجتماعی مطرح شده است. افرادی که در میان شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند، اغلب افرادی هستند که به لحاظ عضویت در چندین گروه مختلف و متفاوت اجتماعی واجد هویت پیچیده اجتماعی می‌باشند. در این شرایط فرد به طور همزمان در شبکه‌ی نسبتاً پیچیده‌ای از هویت‌های مختلف جنسیتی، قومی، سرزمینی و ملی، ورزشی دانشگاهی و غیره واقع می‌شود و متناسب با زمینه و زمان، یکی از این هویت‌ها را برجسته‌تر و پررنگ‌تر می‌نمایاند. «بریور» و «روکاس» در تحقیقات خود این نکته را تأیید می‌کنند که پیچیدگی هویت اجتماعی رابطه مستقیمی با تساهل نسبت به برون‌گروهی‌ها دارد. به علاوه، افراد برخوردار از پیچیدگی هویتی بالا، در مواجهه با حوادث ناگوار و بحران‌های سیاسی و اجتماعی، واکنش‌های منفی کمتری از خود بروز می‌دهند (Brewer & Pierce, 2005:428).

اهمیت شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی، برون‌گروهی در ارتباط با هویت ملی را می‌توان در منطق تمایز «کنش‌های متقابل همسان‌گرایانه»^۳ و «کنش‌های متقابل ناهمسان‌گرایانه»^۴ نیز مشاهده نمود. نان لین^۵ (۲۰۰۱) استدلال می‌کند که کنش‌های متقابل ناهمسان‌گرایانه در میان افرادی ساری و جاری است که به لحاظ اجتماعی نامتشابه هستند در حالیکه کنش‌های متقابل همسان‌گرایانه در میان کنشگرانی رخ می‌دهد که از ویژگی‌های اجتماعی (فرهنگ، تحصیلات، درآمد، جنس، سن، قومیت، مذهب و ..) مشابهی برخوردارند و این ضرب‌المثل فارسی را تداعی می‌سازد که «کبوتر با کبوتر باز با باز/ کند همجنس با همجنس پرواز» (ادیبی سده و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۹۷). لذا انتظار می‌رود کنشگرانی که در میان گروه‌های اجتماعی مختلف در رفت و آمد هستند خود را متعلق به هویت مشترک و والاتری از از دل‌بستگی‌های قومی،

1. Social Identity Complexity
2. Roccas & Brewer
3. Homophilous Interactions
4. Heterophilous Interactions
5. Nan Lin

فرهنگی، مذهبی و سیاسی ببینند و با تساهل بیشتری در برخورد با مسائل مختلف رفتار کنند و به یکپارچگی ملی و سرزمینی خود وفادارتر باشند.

روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این بررسی روش همبستگی است. جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر شامل کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه اصفهان از تمامی رشته‌ها در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در سال تحصیلی در سال ۹۳-۱۳۹۲ بوده است. حجم نمونه ۲۷۰ نفر بود که به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین شیوه که ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه‌ی اولیه انتخاب شدند و بعد از حذف پرسشنامه‌های مخدوش ۲۷۰ پرسشنامه باقی ماند. هر دانشکده به عنوان یک خوشه و در دانشکده، هر کلاس به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد. میانگین و انحراف استاندارد سن برای دختران به ترتیب ۲۳/۱۱ و ۸/۳۴ و برای پسران ۲۴/۱۰ و ۶/۱۷ به دست آمد.

ابزارهای سنجش شامل ۲ پرسشنامه بود که عبارتند از:

پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ی هویت ملی: برای سنجش مشارکت سیاسی از پرسشنامه از نوع سنج لیکرت استفاده شد. این پرسشنامه با بهره‌گیری از مقیاس لیکرت توسط محقق ساخته شد که دارای ۳۶ سوال است. این پرسشنامه با استفاده از مدل ربانی و همکاران (۱۳۸۸) ساخته شد. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا پرسش‌های متعددی به وسیله‌ی چند نفر متشکل از استادان علوم سیاسی طرح، و پس از بحث و بررسی تعداد ۳۶ سوال انتخاب گردید و بعد از ویرایش لازم و به منظور اطمینان بیشتر روی یک گروه ۴۰ نفری (۲۰ نفر پسر و ۲۰ دختر) به صورت آزمایشی اجرا شد. در این پژوهش، ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۲ درصد بوده است. مطالعات درباره‌ی اعتبار آزمون براساس نمونه‌ی مشابه و محاسبه ضریب همسانی درونی، نشان می‌دهد این پرسشنامه از روایی و پایایی بالایی سود می‌برد. این پرسشنامه به چهار سطح هویت فرهنگی- اجتماعی؛ سرزمینی؛ تاریخی و سیاسی تقسیم گردید. این مقیاس یک ابزاری برای سنجش میزان هویت ملی افراد است که نمره‌گذاری هر سوال بر روی یک پیوستار از ۱ (کاملاً موافقم) تا ۵ (کاملاً مخالفم) می‌باشد.

پرسشنامه شبکه اجتماعی: این پرسشنامه شامل سوالاتی در مورد ابعاد شبکه‌های برون‌گروهی و درون‌گروهی بود. این ابعاد بر اساس نظریه‌های موجود در مورد سرمایه‌ی اجتماعی استخراج شده و برای شاخص‌ها سوالاتی طرح شد. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار

تحقیق ابتدا پرسش‌های متعددی به وسیله ۵ نفر متشکل از استادان علوم سیاسی و اجتماعی (بامرتبه‌ی علمی حداقل استادیار) طرح، و پس از بحث و بررسی تعداد ۲۶ سوال انتخاب گردید و بعد از ویرایش لازم و به منظور اطمینان بیشتر روی یک گروه ۴۰ نفری (۲۰ نفر دانشجوی پسر و ۲۰ دانشجوی دختر) به صورت آزمایشی اجرا شد. ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای ابعاد شبکه‌های برون‌گروهی (۱۳ سوال) و شبکه‌های درون‌گروهی (۱۳ سوال) به ترتیب برابر ۰/۷۵ و ۰/۷۹، و برای کل پرسشنامه (۳۶ سوال) ۰/۷۸ به دست آمد. در مرحله‌ی مطالعه‌ی مقدماتی یافته‌ها نشان داد نیاز به حذف هیچ یک از گویه‌ها نیست. این مقیاس ابزاری برای سنجش میزان شبکه اجتماعی افراد است که نمره گذاری هر سوال بر روی یک پیوستار از ۱ (کاملاً موافقم) تا ۵ (کاملاً مخالفم) می‌باشد و در هر بعد ۳ سوال و در مجموع ۹ سوال از ۲۶ سوال به صورت معکوس نمره گذاری می‌شود.

یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده از پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه می‌شود. ابتدا یافته‌های توصیفی ذکر می‌شود.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان در هر یک از ابعاد شبکه‌های اجتماعی و هویت ملی

انحراف استاندارد	میانگین	شبکه اجتماعی	انحراف استاندارد	میانگین	هویت ملی
۱۶,۳۹۵۸۱	۳۳,۰۸۷۰	شبکه‌های برون‌گروهی	۹,۳۳۰۸۳	۳۵,۰۹۳۰	هویت فرهنگی-اجتماعی
۱۷,۶۰۵۱۰	۳۳,۰۹۰۹	شبکه‌های درون‌گروهی	۳,۰۸۶۵۶	۷,۶۱۸۹	هویت سرزمینی
۳۴,۹۷۳۹۵	۶۶,۳۸۲۷	شبکه‌های اجتماعی (کل)	۷,۳۰۱۶۱	۱۹,۸۹۰۲	هویت سیاسی
			۶,۴۵۸۲۳	۱۲,۴۹۶۱	هویت تاریخی
			۲۲,۷۱۷۸۳	۷۵,۳۶۶۴	هویت ملی (کل)

جدول ۱ - میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان را در هر یک از ابعاد شبکه‌های اجتماعی و هویت ملی نشان می‌دهد. میانگین ابعاد هویت ملی به ترتیب ۳۵,۰۹، ۷,۶۱، ۱۹,۸۹ و ۱۲,۴۹ به دست آمده است و این امر نشان می‌دهد که به غیر از هویت سیاسی و

تاریخی که در حد متوسط قرار دارد در بقیه‌ی ابعاد یعنی هویت فرهنگی - اجتماعی و هویت سرزمینی میانگین نمرات دانشجویان در حد پایینی قرار دارد. میانگین شبکه‌های اجتماعی برون‌گروهی ۳۳,۰۸ و شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی ۳۳,۰۹ به دست آمده است که بر این اساس میزان این دو متغیر در میان دانشجویان تقریباً مشابه و یکسان است و میزان هر دو متغیر تقریباً تا حدودی بالاتر از حد متوسط قرار دارد. میانگین نمره‌ی کل هویت ملی (که از جمع مقادیر حیطه‌های هویت به دست آمده است) ۷۵,۳۶ و انحراف استاندارد آن ۲۲,۷۱ و به عبارت دیگر پایین‌تر از حد متوسط و مقادیر مذکور برای نمره کل شبکه‌های اجتماعی به ترتیب ۶۶,۳۸ و ۳۴,۹۷ به عبارت دیگر در حدود متوسط داده‌ها به دست آمده است.

جدول ۲. همبستگی ابعاد شبکه‌های اجتماعی و هویت ملی

متغیرها	هویت فرهنگی - اجتماعی	هویت سرزمینی	هویت سیاسی	هویت تاریخی	هویت ملی (کل)
شبکه‌های برون‌گروهی	۰,۷۰۰**	۰,۹۱۴**	۰,۹۳۸**	۰,۹۵۷**	۰,۹۴۳**
شبکه‌های درون‌گروهی	۰,۶۷۲**	۰,۹۱۳**	۰,۹۱۹**	۰,۹۵۸**	۰,۹۲۵**
شبکه‌های اجتماعی (کل)	۰,۶۹۳**	۰,۹۲۲**	۰,۹۳۶**	۰,۹۶۵**	۰,۹۳۹**

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

جدول ۲ همبستگی ساده (پیرسون) هر یک از شبکه‌های اجتماعی را با هویت ملی نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود تمام همبستگی‌ها در سطح ($p < 0/01$) معنی‌دار است. بالاترین میزان همبستگی مربوط به رابطه‌ی کل شبکه‌های اجتماعی با بعد هویت تاریخی (۰,۹۶) و کمترین میزان مربوط به رابطه‌ی شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی با هویت فرهنگی - اجتماعی (۰,۶۷) است. به عبارت دیگر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رابطه دوسویه بسیار قوی بین ابعاد پژوهش وجود دارد.

برای بررسی رابطه چندگانه شبکه‌های اجتماعی با هر یک از ابعاد هویت ملی از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. جدول ۳ نتایج مدل رگرسیونی را به ازای رابطه‌ی شبکه‌های اجتماعی و ابعاد آن شامل شبکه‌های برون‌گروهی و درون‌گروهی با هر یک از ابعاد هویت ملی و میزان کل هویت ملی نشان می‌دهد.

جدول ۳. نتایج مدل رگرسیون به ازای رابطه‌ی شبکه‌های اجتماعی و هویت ملی

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	R	R ²	R ^۲ تعدیل شده	F	سطح معنی‌داری
شبکه‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی	هویت فرهنگی - اجتماعی	۰,۷۰۷	۰,۵۰۱	۰,۴۹۶	۱۱۶,۲۵۳	۰/۰۰۱
شبکه‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی	هویت سرزمینی	۰,۹۲۳	۰,۸۵۱	۰,۸۵۰	۶۸۰,۲۹۰	۰/۰۰۱
شبکه‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی	هویت سیاسی	۰,۹۴۲	۰,۸۸۷	۰,۸۸۶	۹۰۹,۷۶۸	۰/۰۰۱
شبکه‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی	هویت تاریخی	۰,۹۶۵	۰,۹۳۲	۰,۹۳۱	۱۵۷۴,۸۶	۰/۰۰۱
شبکه‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی	هویت ملی کل	۰,۹۴۳	۰,۸۹۰	۰,۸۸۹	۸۶۵,۵۸۱	۰/۰۰۱

همانگونه که جدول ۳ نشان می‌دهد ابعاد شبکه‌های اجتماعی پیش‌بینی کننده‌ی خوبی برای مولفه‌های هویت ملی هستند. مقدار همبستگی چندگانه (R) شبکه‌های برون‌گروهی و درون‌گروهی با هویت فرهنگی - اجتماعی ۰/۷۰ است و ضریب تعیین ۵۰ درصد نشان دهنده‌ی مقدار قابل تبیین واریانس‌های هویت فرهنگی - اجتماعی از روی شبکه‌های برون‌گروهی و درون‌گروهی است. مقدار همبستگی چندگانه (R) شبکه‌های برون‌گروهی و درون‌گروهی با هویت سرزمینی ۰/۹۲ است و ضریب تعیین ۸۵ درصد نشان دهنده‌ی مقدار قابل تبیین واریانس‌های هویت سرزمینی از روی شبکه‌های برون‌گروهی و درون‌گروهی است. مقدار همبستگی چندگانه (R) شبکه‌های برون‌گروهی و درون‌گروهی با هویت سیاسی ۰/۹۴ است و ضریب تعیین ۸۸ درصد نشان دهنده‌ی مقدار قابل تبیین واریانس‌های هویت سیاسی از روی شبکه‌های برون‌گروهی و درون‌گروهی است. مقدار همبستگی چندگانه (R) شبکه‌های

برون‌گروهی و درون‌گروهی با هویت تاریخی ۰/۹۶ است و ضریب تعیین ۹۳ درصد نشان‌دهنده‌ی مقدار قابل تبیین واریانس‌های هویت تاریخی از روی شبکه‌های برون‌گروهی و درون‌گروهی است. مقدار همبستگی چندگانه (R) شبکه‌های برون‌گروهی و درون‌گروهی با کل هویت ملی ۰/۹۴ است و ضریب تعیین ۸۹٪ نشان‌دهنده‌ی مقدار قابل تبیین واریانس‌های نمره‌ی کل هویت ملی از روی شبکه‌های اجتماعی برون‌گروهی و درون‌گروهی است. سطح معنی‌داری به دست آمده برای مقادیر F نشان می‌دهد تمام ضرایب در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی‌دار است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون غیر استاندارد (B) و استاندارد (b) به ازای رگرسیون هر بعد از شبکه‌های اجتماعی بر ابعاد هویت ملی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		سطح معنی‌داری
		B	خطای استاندارد	b	t	
هویت	برون‌گروهی	۰,۳۶۱	۰,۰۸۱	۰,۹۳۹	۴,۴۴۱	۰,۰۰۰
فرهنگی - اجتماعی	درون‌گروهی	-۰,۰۷۱	۰,۰۶۳	-۰,۲۳۹	-۱,۱۳۲	۰,۲۵۹
	شبکه (کل)	۰,۱۱۷	۰,۰۰۸	۰,۶۹۳	۱۴,۶۹۲	۰,۰۰۰
هویت سرزمینی	برون‌گروهی	۰,۰۷۴	۰,۰۱۷	۰,۴۹۵	۴,۳۴۳	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۰,۰۵۰	۰,۰۱۳	۰,۴۳۴	۳,۸۰۷	۰,۰۰۰
	شبکه (کل)	۰,۰۶۱	۰,۰۰۲	۰,۹۲۲	۳۶,۹۰۵	۰,۰۰۰
هویت سیاسی	برون‌گروهی	۰,۳۴۰	۰,۰۴۰	۰,۸۷۶	۸,۵۶۳	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۰,۰۲۰	۰,۰۳۰	۰,۰۶۷	۰,۶۵۹	۰,۵۱۱
	شبکه (کل)	۰,۱۵۹	۰,۰۰۴	۰,۹۳۶	۴۰,۶۹۹	۰,۰۰۰
هویت تاریخی	برون‌گروهی	۰,۱۸۰	۰,۰۲۹	۰,۴۹۶	۶,۳۰۲	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۰,۱۳۳	۰,۰۲۲	۰,۴۷۵	۶,۰۳۰	۰,۰۰۰
	شبکه (کل)	۰,۱۵۳	۰,۰۰۳	۰,۹۶۵	۵۶,۱۲۸	۰,۰۰۰
هویت ملی (کل)	برون‌گروهی	۰,۹۹۱	۰,۱۲۹	۰,۸۳۲	۷,۶۹۸	۰,۰۰۰
	درون‌گروهی	۰,۱۰۴	۰,۰۹۹	۰,۱۱۳	۱,۰۵۰	۰,۲۹۵
	شبکه (کل)	۰,۴۸۸	۰,۰۱۲	۰,۹۳۹	۴۰,۱۰۵	۰,۰۰۰

جدول ۴ ضرایب رگرسیون غیر استاندارد (B) و استاندارد (b) را به ازای رگرسیون هر یک ابعاد از ابعاد شبکه‌ی اجتماعی بر ابعاد هویت ملی نشان می‌دهد. همانگونه که ضرایب رگرسیون استاندارد نشان می‌دهند در بعد هویت اجتماعی - فرهنگی، شبکه‌های اجتماعی برون‌گروهی و کل شبکه‌های اجتماعی وزن رگرسیون معنی‌داری دارند و پیش‌بینی‌کننده‌ی مهمی است و از وزن b بالاتری برخوردار است. در بعد هویت سرزمینی، شبکه‌های اجتماعی برون‌گروهی، درون‌گروهی و کل شبکه‌های اجتماعی وزن رگرسیون معنی‌داری دارند و پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری هستند. در بعد هویت سیاسی، شبکه‌های اجتماعی برون‌گروهی و کل شبکه‌های اجتماعی وزن رگرسیون معنی‌داری دارند، ولی رابطه‌ی معنی‌داری میان شبکه‌های درون‌گروهی و هویت سیاسی یافت نشد. در بعد هویت تاریخی، شبکه‌های اجتماعی برون‌گروهی، درون‌گروهی و کل شبکه‌های اجتماعی وزن رگرسیون معنی‌داری دارند. سرانجام در بعد هویت ملی (کل)، شبکه‌های اجتماعی برون‌گروهی و کل شبکه‌های اجتماعی وزن رگرسیون معنی‌داری دارند، ولی رابطه‌ی معنی‌داری میان شبکه‌های درون‌گروهی و هویت ملی یافت نشد. همانگونه که مشاهده می‌شود تمام ضرایب رگرسیون مثبت است و نشان می‌دهد بین مولفه‌های شبکه‌های اجتماعی با ابعاد هویت ملی ارتباط مثبت وجود دارد. البته همانگونه که نتایج نشان می‌دهد میان شبکه‌های درون‌گروهی و هویت فرهنگی - اجتماعی رابطه‌ی منفی و البته غیرمعنی‌دار است.

نتیجه‌گیری

پدیده‌های انسانی چون هویت ملی متأثر از شبکه‌ی درهم‌تنیده‌ای از عوامل خرد، کلان، درون‌زا و برون‌زا است که مجال پرداختن به همه آن‌ها در حجم محدود این مقاله مقدور نبود. با ثابت فرض کردن نقش سایر متغیرها، تلاش کردیم تا در پژوهشی نو و جدید تأثیر شبکه‌های اجتماعی را در دو بعد درون‌گروهی و برون‌گروهی بر هویت ملی دانشجویان دانشگاه اصفهان بسنجیم. تحلیل ثانویه این تحقیق که بر روی ۲۷۰ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان انجام شد، نشان داد که بین دو متغیر شبکه‌های اجتماعی و هویت ملی رابطه‌ی هم‌افزا و مثبت وجود دارد و شدت این رابطه در حد متوسط یعنی ۰/۹۳ می‌باشد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که تأثیر شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی نمای متفاوتی از تأثیر شبکه‌های اجتماعی برون‌گروهی بر متغیر وابسته دارد. به این معنا که شبکه‌های درون‌گروهی در دو بعد هویت سیاسی و هویت فرهنگی - اجتماعی نتوانست هویت ملی را در میان دانشجویان پیش‌بینی کند و

در کل رابطه‌ی معناداری میان شبکه‌های مذکور و هویت ملی نیز بدست نیامد. به عبارت دیگر تراکم افراد در درون پیوندهای قوی درون‌گروهی بر هویت سیاسی و فرهنگی - اجتماعی جامعه‌ی آماری این تحقیق اثرگذار نبود.

باوجود نتایج فوق نه تنها میان شبکه‌های اجتماعی برون‌گروهی و هویت ملی رابطه مثبت وجود دارد بلکه این رابطه با توجه به وزن b یعنی به میزان $۰/۸۳$ و در حد رابطه‌ای قوی بدست آمد. این یافته، موید و هم‌جهت با آن‌دسته از نظریاتی است که جایگاه پیوندهای ضعیف را در توضیح رفتارهای سیاسی - اجتماعی پررنگ می‌کنند و بر این استدلال تأکید دارند که پیوندهای ضعیف برای ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی مهم هستند و جوامع فاقد پیوندهای ضعیف شبکه‌ای تمایل به تجزیه، از هم‌پاشیدگی و گسست دارند (ریدجن، ۲۰۰۵). و احتمالاً سرمایه‌ی اندوخته شده در پیوندهای قوی درون‌گروهی به زیان سرمایه‌ی اجتماعی عمومی عمل می‌کند و انسجام و همبستگی ملی را به مخاطره می‌اندازد. تجزیه و تحلیل داده‌های تجربی بدست آمده در این پژوهش، این دیدگاه را تقویت می‌کند که جامعه از مزایای و آثار سرمایه اجتماعی شبکه‌های ارتباطی میان گروهی آنگاه بهره‌مند می‌شود که افراد از طریق «منافذ ساختاری» موجود در ساختار اجتماعی در میان گروه‌های مختلف، متنوع و ناهمگن رفت و آمد کنند و خود را با سلیقه‌ها و آرای مختلف در باب سیاست، فرهنگ، اقتصاد و مذهب درگیر ساخته و هویتی را از خود بروز دهند که فارغ از هویت‌های خرد و بسته به منافع عمومی جامعه سیاسی می‌اندیشد و با برخورداری از تساهل اجتماعی کمتر در مواقع بحران به دنبال منافع بسته و انحصاری گروهی است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که متغیر شبکه‌های برون‌گروهی متغیر بیشترین پیش‌بینی را نسبت به بعد فرهنگی - اجتماعی هویت ملی دانشجویان داشته و قدرت این تبیین بسیار قوی و در حد $۰/۹۳$ می‌باشد. به نظر می‌رسد زمانی که افراد به برقراری ارتباطات اجتماعی گسترده اما ضعیف با طبقه یا گروه‌های ناهمسان و متنوع اجتماعی، اقتصادی، قومی و مذهبی می‌پردازند می‌توان انتظار داشت هویت ملی آنان به نحوی شکل بگیرد و تقویت شود که فرد در آن بر رشد و توسعه جامعه چندفرهنگی خود اهتمام ورزد و در این جهت خود را عضوی ارزشمند بداند. همچنین برخورداری افراد و جامعه از سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی به تربیت افرادی منتهی می‌شود که فرهنگ، زبان و آداب و رسوم مشترک را به عنوان میراث ملی و سرزمینی مورد احترام و تکریم قرار می‌دهند.

از دیگر نتایج این پژوهش، تأثیر قوی شبکه‌های برون‌گروهی بر هویت سیاسی با شدت ۰/۸۷ است. این یافته نشان می‌دهد که گرایش دانشجویان به شرکت در گروه‌های متنوع سیاسی و اجتماعی در میزان وفاداری و احساس تعلق خاطر آنان به نظام سیاسی تأثیر زیادی دارد. دانستن عوامل تعیین‌کننده‌ی هویت سیاسی (در اینجا شبکه‌های اجتماعی برون‌گروهی) موجب نگاه ویژه است زیرا افرادی که در یک جغرافیای سیاسی زندگی می‌کنند و تابعیت آن کشور را دارند؛ مهم است که به لحاظ احساسی و روانی خود را عضو نظام سیاسی بدانند و نسبت به آن آگاهی و احساس تعلق خاطر و یگانگی داشته باشند. چراکه در هنگامه‌ی مواجهه و ورود کشورها به بحران داخلی و جنگ منطقه‌ای، این احساس تعلق و فداکاری ملت به دولت است که به عنوان یک سرمایه‌ی بزرگ؛ پیروزی، حفظ تمامیت سرزمینی و استقلال دولت‌ها را تضمین می‌کند. این امر ناشی از کارکرد انسجام‌دهندگی و همانندسازی هویت ملی است. وقتی این موضوع به میزان بالایی در میان اتباع یک کشور شکل بگیرد حفظ یکپارچگی، ایجاد وحدت حول آرمان‌های مشترک و مقابله با خطرات و تهدیدات میسر شده و در عرصه‌ی عمل، افراد یکپارچه و منسجم عمل می‌کنند.

یکی از اهداف این تحقیق سنجش میزان هویت ملی دانشجویان بود. یافته‌ها نشان داد هویت ملی دانشجویان از حد متوسط پایین‌تر بود و مقدار آن ۳۶/۷۵ بدست آمد. این مسأله نیازمند تحقیق و مطالعه‌ی بیشتر عوامل کاهنده و افزایش‌دهنده هویت ملی دانشجویان است تا از این طریق میزان هویت ملی در سطح مطلوب و قابل قبولی قرار گیرد. این مطالعه تلاش داشت تأثیر کاهنده و افزایشی شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی را بر میزان هویت ملی دانشجویان بسنجد. با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد مهندسان و مدیران سیاسی و اجتماعی می‌بایست از حضور افراد در شبکه‌های ارتباطی متنوع و مختلف استقبال کنند و زمینه‌های مشارکت و حضور اقشار جوان به خصوص دانشجویان را در این عرصه‌ها بیشتر نمایند، ایجاد روحیه تساهل و مدارای اجتماعی در جامعه‌ای که به لحاظ تنوعات مذهبی و قومی مستعد چندپارگی و گسست است؛ می‌تواند بر توسن کنش‌های متقابل ناهمسانی که در قلب شبکه‌های برون‌گروهی واقع است سوار شده و افراد با آموزش در این مدرسه‌ی مردم سالاری، مهارت‌های مدنی را بیاموزند به نحوی که فارغ از دلبستگی‌های قومی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی؛ با تساهل بیشتری رفتار کنند و به منافع عمومی و ملی خود بیشتر بیندیشند. قطعاً نتایج تحقیق پیش‌رو به عنوان یک تلاش بدیع و تازه نیازمند تکرار است تا با کمک سایر داده‌ها تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت جوان تحصیل کرده‌ی ایرانی بهتر تبیین و توضیح داده شود.

منابع

الف) فارسی

- احمدی، حمید، (۱۳۸۳)، هویت و قومیت در ایران، در کتاب هویت در ایران، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- احمدی، حمید، (۱۳۷۷)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت، تهران، نشر نی.
- ادیبی سده، مهدی و دیگران، (۱۳۸۸)، «سنجش سرمایه اجتماعی میان گروهی (طیف سام)»، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸.
- بارت، مارتین، (۱۳۸۱)، «شکل‌گیری هویت ملی در کودکی و نوجوانی»، ترجمه‌ی محمود شهابی، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی شماره ۲.
- پاتنام، رابرت، (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، جلد اول، ترجمه‌ی احمد تقی دلفروز، تهران، نشر روزنامه سلام.
- جنکینز، ریچارد، (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه‌ی تورج یاراحمدی، تهران، نشر شیرازه.
- چلبی، مسعود، (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
- ربانی، علی و دیگران، (۱۳۸۸)، «رابطه هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه‌های دولتی ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۸، شماره ۳۹.
- فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹)، پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، غلامعلی توسلی، تهران، جامعه ایرانیان.
- محمدی، علی محمد، (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و سنجش آن، تهران، نشر دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ولکاک، مایکل، نارایان، دیپا، (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه‌ی توسعه، پژوهش و سیاست‌گذاری، مجموعه مقالات سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، نشر شیراز.

ب) انگلیسی

- Beugelsdijk, S. & S. Smulders, (2004), "Bridging and Bonding Social Capital: Which Type is Good for Economic Growth?", Tilburg University,

- Faculty of Economics, Available at: <http://ideas.repec.org/p/wiw/wiwrsa/ersa03p517.html>
- Burt, R, (1992), *Structural Holes: The Social Structure of Competition*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
 - Burt, R, (2001), *New Directions in Economic Sociology*, New York: Russell Sage Foundation.
 - Coleman, J. S, (1988), "Social Capital in the Creation of Human Capital", *The American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.
 - Craib, I, (1998), *Experiencing Identity*, Sage Publications.
 - Gellner, Ernest, (1983), *Nations and Nationalism: New Perspectives on the Past*, Basil Blackwell: Oxford.
 - Granovetter, M, (1973), "The Strength of Wak Tiese", *American Journal of Sociology*, 78(6): 1360- 1380.
 - Halpern, D, (1999), *Social Capital: the New Golden Goose*, Faculty of Social and Political Sciences, Cambridge University, Unpublished Review.
 - Hobsbawm, E.j, (1992), *Nations and Nationalism Since 1780*, Second edition 1990, Cambridge: Cambridge University Press.
 - Lake, R. and Huckfeldt, R, (1998), "Social Capital, Social Networks and Political Participation", *Political Psychology*, 19 (3): 567-584.
 - Larsen, L., et al, (2004), "Bonding and Bridging: Understanding the Relationship between Social Apital and Civic Action", *Journal of Planning Education and Research*, Vol. 24, No. 1, pp. 64-77.
 - Levi, M, (1996), "Social and Unsocial Capital: A Review Essay of Robert Putnam's Making Democracy Work", *Politics and Society*, 24: 46-55.
 - Lin, N, (2001), *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*, Cambridge: Cambridge University Press.
 - Nelson, B. J., L. Kaboolian, K. A. Carver, (2002), "Working Across Contested Boundaries: Building Bridging Social apital, lenary", *Canadian Political Science Association*, Available at: <http://www.spsr.ucla.edu/pdf/Canada051702.pdf>
 - Oskarsson, S, (2003), "Institutional Explanations of Union Strength: An Assessment", *Politics and Society*, 31(4):609-645.
 - Paxton, P, (2002), "Social Capital and Democracy: An Interdependent Relationship", *American Sociological Review*, Vol. 67, No. 2, pp. 254-۲۷۷.
 - Putnam, R, (2000), *Bowling alone: The Collapse and Revival of American Community*. NY: Simon Schuster
 - Putnam, R, (1993), *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton, N.J: Princeton University Press.
 - Roccas, S., & Brewer, M. B, (2002), "Social Identity Complexity", *Personality and Social Psychology Review*, 6: 88-106.
 - Rydgren, J, (2005), "Bridging Different Worlds?: Economy, Politics and Brokerage Roles in Sweden", *Acta Sociological*, 48(2): 117-129.
 - Sherif, M, (1988), *The Robbers Cave Experiment: Intergroup Conflict and Cooperation*, Scranton, PA: Wesleyan University Press.

- Umana-Taylor, (2008), "A Longitudinal Examination of Latino Adolescents' Ethnic Identity, Coping with Discrimination, and Self-esteem", *Journal of Early Adolescence*, 28(1): 16-50
- Uslaner, E. M, (1999), "Trust but Verify: Social Capital and Moral Behaviour", *Social Science Information*, Vol. 38, 29-56.
- Verba, S., Schlozman, K.L. and Brady, H, (1995), *Voice and Equality: Civic Voluntarism in American politics*, Cambridge: Harvard University Press.
- Warren, M, E,(1999), *Democracy and Trust*, Cambridge University Press.